

The Effect of Women's Development Indicators on Oil Rent

Behnaz Khoshtinat^{*}, Abolfazl Shahabadi^{**}

Samineh Ghasemifar^{***}, Neda Koozegary^{****}

Abstract

In most developing countries that export oil and have weak institutional quality, oil plays a hindering role in their economic growth and development. Therefore, these countries prioritize enhancing the value of their oil products and diversifying their offerings to gain a competitive edge in the global markets and achieve sustained economic growth and development. Numerous other research articles examining economic growth have reached the consensus that empowering women, who comprise half of a country's human resources, yields beneficial outcomes in shaping the planning of the development process and its effectiveness. Additionally, achieving balanced growth and sustainable development is a key objective that involves adopting a positive and equitable approach towards addressing women's issues and empowering them to assume diverse roles in the development process (Khosravi et al., 2011:125). However, it appears that the impact of key measures of women's progress on the shift from an oil-based economy has not been examined using actual evidence from developing nations that export oil, particularly Iran. The significance of women in a country's economy lies in the fact that they constitute half of the population and have the potential to liberate oil-exporting economies from reliance on oil revenue while mitigating potential adverse effects of oil income.

* Assistant Professor of Marketing, Department of Management, Buinzahra Branch, Islamic Azad University, Buinzahra, Iran (Corresponding Author), B.khoshtinat@buinau.ac.ir

** Professor, Department of Economics, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran, a.shahabadi@alzahra.ac.ir

*** Assistant Professor of Economics, Faculty of Management, Economy and Accounting, Hormozgan University, Bandarabbas, Iran, s.ghasemifar@alzahra.ac.ir

**** MA in Entrepreneurship Management, Department of Entrepreneurship Management, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Iran, N.koozegary@gmail.com

Date received: 23/06/2022, Date of acceptance: 24/01/2023



Consequently, this study aims to fill this research gap by investigating the subject using data from 17 chosen developing oil-exporting countries, for which the required data was available between 2011 and 2018.

Keywords: Oil Economics, Women Entrepreneurship, Women's Political Participation, Women's Education, Women's Health.

JEL Classification: E23, J16, I14, J24.

تأثیر شاخص‌های توسعه زنان بر رانت نفتی

بهناز خوش طینت*

ابوالفضل شاه‌آبادی**، ثمینه قاسمی فر***، ندا کوزه‌گری****

چکیده

گذار از اقتصاد نفتی سال‌ها است که اولویت اصلی سیاست‌گذاری کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت جهت نیل به رشد و توسعه متوازن محسوب می‌شود. از سویی، شواهد تجربی نشان می‌دهد این کشورها از نیمی از سرمایه انسانی خود بهره‌چندانی نمی‌برند و شاخص‌های توسعه انسانی زنان در این کشورها وضعیت مطلوبی ندارد. بنابراین، هدف این مطالعه شناسایی اثرات شاخص‌های توسعه زنان بر عدم وابستگی اقتصاد کشورها به رانت نفتی است از این رو تحقیق حاضر با رهیافت داده‌های تابلویی و به روش گشتاورهای تعمیم‌یافته به بررسی تأثیر شاخص‌های توسعه زنان بر رانت نفتی در ۱۷ کشور در حال توسعه صادرکننده نفت طی دوره ۲۰۱۱-۲۰۱۸ پرداخته و نتایج نشان داد، ضریب اثرگذاری توسعه شاخص‌های زنان شامل کارآفرینی زنان، مشارکت سیاسی زنان، آموزش زنان و بهداشت زنان بر رانت نفتی در کشورهای منتخب منفی و معنادار شده و در این بین، اثر تخمینی توسعه آموزش زنان از سایر شاخص‌ها بزرگتر بوده است. همچنین، دیگر نتایج تخمینی نشان داد شاخص‌های حکمرانی خوب، توسعه فناوری و توسعه مالی بر رانت نفتی تأثیر منفی و معناداری داشته‌اند. نتایج به صورت کلی نشان‌دهنده این واقعیت است که با اهمیت به زنان به عنوان نیمی از جمعیت فعال

* استادیار بازاریابی، گروه مدیریت، واحد بوئین زهرا، دانشگاه آزاد اسلامی، بوئین زهرا، ایران (نویسنده مسئول)،

B.khoshtinat@buiniau.ac.ir

** استاد، گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، ایران، a.shahabadi@alzahra.ac.ir

*** استادیار اقتصاد، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران،

saminehghasemifar@yahoo.com

**** کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی، گروه مدیریت کارآفرینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات،

ایران، N.koozegary@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۴



و افزایش بهره‌وری ناشی از فعالیت آن‌ها، تولید در بخش‌های دانش‌بنیان و غیرنفتی افزایش پیدا کند.

کلیدواژه‌ها: رانت نفتی، کارآفرینی زنان، مشارکت سیاسی زنان، آموزش زنان، بهداشت زنان.

طبقه‌بندی JEL: E23, J16, J14, J24.

۱. مقدمه

اغلب کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت دارای کیفیت نهادی ضعیف به دلیل وابستگی به فراز و نشیب تقاضا و مصرف نفت در بیرون از مرزهای ملی، وابستگی صنعت نفت به فناوری‌های پیچیده کشورهای صنعتی و شرکت‌های چندملیتی، وابستگی به سرمایه‌گذاری کلان برای اکتشاف و استخراج نفت و کنترل قیمت نفت توسط نیروهای بین‌المللی، در دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی مستمر و باثبات عملکرد موفق‌تری نداشته‌اند (ادریسوف و همکاران (Idrisov et al) ۲۰۱۵: ۲۵۹). بالعکس، وابستگی به رانت نفت سبب تضعیف انگیزه کار و فعالیت، تضعیف بخش خصوصی، گسترش فرهنگ رانت‌خواری، مصرف‌گرایی و اتلاف منابع در این کشورها شده است. از نظر سیاسی نیز کنترل درآمدهای نفتی توسط دولت باعث وضع مالیات کمتر از یک سو و تقاضای کمتر مردم برای پاسخگویی دولت از سوی دیگر شده است. همچنین، دولت از درآمدهای نفتی برای کسب قیومیت بیشتر، جلوگیری از فشار مردم برای ایجاد دموکراسی و فقدان تشکیل گروه‌های اجتماعی مستقل و خواهان حقوق سیاسی استفاده نموده است (ماسی و ریکیوتی (Masi & Ricciuti)، ۲۰۱۹: ۳۸۱). از این‌رو، نفت نقش بازدارنده‌ای در فرایند رشد و توسعه اقتصادی اغلب کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت با کیفیت نهادی ضعیف داشته و باعث شده تا رانت نفتی و حرکت به سمت متنوع‌سازی تولیدات با ارزش افزوده بالا به مهم‌ترین اولویت سیاست‌گذاری این کشورها جهت کسب مزیت رقابتی در بازارهای جهانی و نیل به رشد و توسعه اقتصادی مستمر و متوازن تبدیل شود.

از سوئی، ماسودا و همکاران (Masuda et al) ۲۰۲۲: ۳۹۳، دهلوم و همکاران (Dahlum et al) ۲۰۲۲: ۳، دانیل میهائلا و اوناگئورگیانا (Daniela-Mihaela & Oana-Georgiana) ۲۰۱۵: ۱۲۱، رانیس (Ranis) ۲۰۰۴: ۹ و بسیاری از مطالعات دیگر مرتبط با رشد اقتصادی به این نتیجه رسیده‌اند که توانمندسازی زنان به عنوان نیمی از منابع انسانی کشورها بر تدبیر فرآیند توسعه و کارگزاری آن تأثیر مثبت دارد. به علاوه، رویکرد مثبت و عادلانه نسبت به حل مشکلات زنان و

تأثیر شاخص‌های توسعه زنان بر رانت نفتی (بهناز خوش طینت و دیگران) ۲۰۷

توانمندسازی آنان جهت قبول نقش‌های همه‌جانبه در فرایند توسعه، خود از اهداف رشد متوازن و توسعه پایدار است (خسروی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۵). اما، به نظر می‌رسد تأثیر شاخص‌های اصلی توسعه زنان بر گذار از اقتصاد نفتی با استفاده از داده‌های تجربی کشورهای درحال توسعه صادرکننده نفت به خصوص کشور ایران تاکنون انجام نشده است. در اقتصاد ایران نیز میانگین سهم نفت بر تولید ناخالص داخلی در دوره مورد بررسی، ۱۷/۷ درصد است که علی‌رغم چالش‌های بین‌المللی پیش روی اقتصاد ایران مانند سایر کشورهای صادرکننده نفت روند صعودی داشته است. از طرفی زنان به عنوان نیمی از جمعیت کشورها می‌توانند اقتصاد کشورهای صادرکننده نفت را از وابستگی به درآمد نفتی رها کنند و اثرات منفی احتمالی رانت نفتی را کاهش دهد.

افزایش مشارکت سیاسی زنان نقش بسزائی در توسعه و نوسازی کشورهای منتخب و اجتناب از جنبه منفی رانت نفتی دارد. لذا، مطالعه حاضر به منظور پوشش این شکاف تحقیقاتی سعی نمود با استفاده از داده‌های ۱۷ کشور منتخب درحال توسعه صادرکننده نفت که اطلاعات مورد نیاز آنها در دسترس بود طی دوره ۲۰۱۸-۲۰۱۱ بررسی و تعیین نماید و نتایج حاصله را در قالب توصیه‌های سیاستی در اختیار ذینفعان و علاقه‌مندان این حوزه مطالعاتی قرار دهد. برای دستیابی به هدف فوق، ساختار مقاله به این شکل تدوین شده است که ابتدا به ادبیات تجربی رانت نفتی پرداخته شده است. سپس، نحوه اثرگذاری شاخص‌های توسعه زنان بر رانت نفتی تشریح شده است. بعد از آن، پیشینه داخلی و خارجی تحقیق و سهم جدید مطالعه بیان شده است. در ادامه، به توضیح روش گشتاورهای تعمیم‌یافته پرداخته شده است. در پایان، ارائه نتایج تخمین‌ها و تحلیل‌ها و پیشنهادات سیاستی مرتبط ارائه شده است.

۲. ادبیات موضوع

۱.۲ مبانی نظری

برخورداری از منابع طبیعی یک موهبت است و می‌تواند به ایجاد مزیت نسبی طبیعی در تولید و تجارت خارجی منجر شود. چرا که نفت خام، از یک طرف، عامل اصلی تولید انرژی و نیروی محرکه بخش خانگی، صنعت و حمل‌ونقل است. از سوی دیگر، ماده اولیه تولید بسیاری از محصولات مانند انواع روغن‌ها، روان‌کننده‌ها و غیره است. بنابراین، نفت و درآمدهای حاصل از آن به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر اقتصاد کشورهای صادرکننده نفت اثرات وسیعی دارد (شاگری و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۲) و انتظار می‌رود کشورهای دارنده آن رشد

بالاتری را تجربه کنند. لذا، با همین نگاه بود که از نفت به عنوان موتور محرکه رشد اقتصادی یاد شد و اقتصاددانان کلاسیک، الگوهای رشد کارآ و بهینه را برای اقتصادهای نفتی گسترش دادند. اما از طرفی با مطرح شدن درآمدهای نفتی از پدیده‌ای تحت عنوان نفرین منابع (Resource Curse) یاد شود که موجب کند شدن رشد اقتصادی و وقفه در ایجاد توسعه اقتصادی می‌شود و برای تبیین آن نیز دلایل متعددی ذکر شده است. لازم به ذکر است که تحقق و عدم تحقق این موارد در گرو کیفیت حاکمیت و رویکرد تبدیل مزیت نسبی طبیعی حاصل از درآمد نفتی به مزیت اکتسابی در کشورهای صادرکننده نفت بستگی دارد.

۱. بیماری هلندی: براساس دیدگاه بیماری هلندی، هنگامی که درآمدهای نفتی وارد اقتصاد می‌شود، تقاضا در کل اقتصاد اعم از بخش‌های تجاری و غیرتجاری افزایش می‌یابد. چون سطح قیمت محصولات بخش تجاری به وسیله عوامل بین‌المللی تعیین می‌شود و ثابت است، این افزایش تقاضا موجب افزایش قیمت محصولات غیرتجاری شده و قیمت نسبی کالاهای غیرتجاری به تجاری افزایش می‌یابد در این فرایند، عوامل تولید از بخش تجاری به بخش‌های غیرتجاری و بخش نفت منتقل می‌شود و در نهایت تولید بخش تجاری محدود و بخش غیرتجاری گسترش می‌یابد (مرادی، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

۲. رانت‌جویی: درآمدهای نفتی خود سرمنشا اصلی درآمدهای رانتی است و زمینه برای رانت‌جویی رقابتی را بیشتر از سایر فعالیت‌ها فراهم می‌سازد. همچنین، رانت نفت، عاملان اقتصادی را تحریک می‌کند تا برای دسترسی به این منابع به دولت رشوه دهند (ساکس و وارنر (Sachs, J. & Warner, A.) ۱۹۹۵: ۱۲؛ گیلفاسون (Gylfason, T.) ۲۰۰۱: ۸۵۰ و تورویک (Torvik, R.) ۲۰۰۲: ۹). به علاوه، درآمدهای نفتی اغلب با پیدایش گروه‌های پرنفوذ سیاسی در ارتباط است. این گروه‌ها در تلاش هستند تا به منظور پذیرفتن سیاست‌هایی که مورد علاقه کل افراد جامعه نیستند، بر سیاست‌های مستعد فساد تأثیر بگذارند (مائورو (Mauro, P.)، ۱۹۹۵: ۶۹۵).

۳. پس‌انداز و سرمایه‌گذاری: ثروت منابع طبیعی و به‌طور خاص نفت، نیاز به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. چون درآمدهای نفتی یک جریان مداومی از ثروت آتی را ایجاد می‌کند که کمتر به انتقال سرمایه ساخته شده بشری به دوره‌های آینده، مرتبط است. بنابراین، اقتصادی که بر پایه تولید مواد اولیه قرار دارد، به آسانی از رونق به رکود اقتصادی انتقال می‌یابد و این امر برای سرمایه‌گذاران در صرفه‌های منابع طبیعی نااطمینانی ایجاد می‌کند (ساکس و وارنر (Sachs, J. & Warner, A.)، ۱۹۹۹: ۴۸).

تأثیر شاخص‌های توسعه زنان بر رانت نفتی (بهناز خوش طینت و دیگران) ۲۰۹

۴. سرمایه انسانی: درآمدهای نفتی دو اثر کاملاً متفاوت بر سرمایه انسانی دارد. از یک طرف، با تأمین کمک هزینه آموزشی، موجب ارتقا سیستم آموزشی می‌شود و تقویت سرمایه انسانی می‌شود. از طرف دیگر، افزایش درآمدهای نفتی زمینه برای دخالت و سوء استفاده از درآمدهای نفتی برای گروه‌های رانتجو در قدرت را افزایش می‌دهد و منجر به تخصیص نامناسب درآمد نفتی می‌شود که به نوبه خود سرمایه انسانی را کاهش می‌دهد (شاو و یانگ (Shao & Yang)، ۲۰۱۴: ۶۳۸).

شاخص رانت نفتی: این شاخص نسبت رانت نفت به تولید ناخالص داخلی است که مبتنی بر تعریف بانک جهانی از تفاضل ارزش تولید نفت خام به قیمت‌های جهانی با کل هزینه‌های تولید نفت خام حاصل می‌شود (World Development Indicators). ضمن این‌که یکی از مولفه‌های شاخص آسیب‌پذیری نفت در کشورهای صادرکننده نفت استخراج شده است. این شاخص با تکیه بر نظریات مبتنی بر بیماری هلندی استخراج شده است (گوپتا (Gupta)، ۲۰۰۸: ۳۷۳۷). تمامی مطالعات پس از گوپتا نیز از این مولفه برای محاسبه ریسک اقتصادی درآمد نفتی در کشورهای صادرکننده نفت استفاده کرده‌اند.

۲.۲ توسعه زنان

از نظر مالهاترا و همکاران (Malhatra et al) (۲۰۰۲): ۴، توسعه زنان فرایندی است که طی آن؛ زنان در سازماندهی خود توانمند شده و اعتماد به نفس می‌یابند تا از حقوق خود در انتخاب مستقل و کنترل بر منابع که منجر به از بین رفتن جایگاه فرودستی ایشان می‌شود؛ دفاع کنند. بنابراین، توانمندسازی زنان یک فرایند است. این فرایند به ترتیب از فرد (احساس و توان انجام امور) شروع و تا جامعه (مشارکت در فعالیت‌های گروهی و جمعی)، سیاست (کنترل بر تصمیمات سیاسی)، اقتصاد (کنترل تصمیمات اقتصادی) و نهاد (مواجهه با ساختارهای نابرابر) ادامه می‌یابد.

برای ارزیابی سطح توسعه زنان نیز شاخص‌ها و معیارهای مختلفی تعریف و پیشنهاد شده که در این تحقیق از چهار شاخص اصلی این حوزه به شرح زیر استفاده نموده است:

۱. مشارکت اقتصادی: به اعتقاد لایوی (Lavoie) (۱۹۹۵) نیز کارآفرینی زنان عبارتست از کسب‌وکارهایی مربوط به زنان که به صورت انفرادی یا گروهی ایجاد می‌شود و با ارائه خلاقیت‌های خود به تولید محصولات نوین و رقابت در بازار کسب و کار می‌پردازد (ریبئی و سرابی، ۱۳۹۲: ۳۶).

۲. مشارکت سیاسی: مشارکت زنان در عرصه سیاسی یکی از مهم‌ترین معیارهای سنجش ارزش‌های دموکراتیک و میزان دموکراسی جوامع محسوب می‌شود (نیکوقدم و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۳۱). منظور از مشارکت سیاسی زنان نیز هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر، شامل روش‌های مشروع و نامشروع برای تأثیر بر انتخابات رهبران، سیاست‌ها و اداره امور عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است.

۳. توسعه آموزش: در مورد زنان، افزایش تحصیلات از طریق افزایش استقلال در تصمیم‌گیری در درون خانواده‌ها، تأثیر بر موقعیت اجتماعی، توان مستقل زیستن، قدرت بیان و تأثیرگذاری بر تصمیمات گروهی، باعث توانمندسازی زنان در سطح خانواده و جامعه می‌شود. همچنین، زنان برای حضور در سازمان‌های مردم‌نهاد و قدرت تأثیرگذاری بر آنها به آموزش نیاز دارند. آموزش برای زنان به افزایش آگاهی منجر می‌شود؛ به گونه‌ای که به جای قبول وضعیت موجود بدون چون و چرا، به دیدگاه‌های انتقادی روی آورند. زنان شاغل و تحصیل‌کرده الگوی زندگی خانوادگی خواهند بود و باورهایشان را در مورد برابری جنسیتی به فرزندان خود منتقل می‌کنند (نیکوقدم و همکاران، ۱۳۹۷).

۴. توسعه بهداشت: محققان بر این باورند که دستیابی به توسعه بهداشت و سلامت در جهان بدون توجه به اهمیت سلامت زنان و در نظر گرفتن تفاوت‌های جنسیتی در ابعاد گوناگون سیاست‌ها و برنامه‌های بهداشت و توسعه و همچنین اجرای برنامه‌های توانمندسازی و پیشرفت زنان ممکن نیست. اهم موضوعات بهداشت و سلامت زنان سلامت جسمی، سلامت روانی و سلامت باروری می‌باشد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۹).

۳.۲ سازوکار تأثیر شاخص‌های توسعه زنان بر رانت نفتی

توسعه کارآفرینی زنان به عنوان نیمی از منابع انسانی جوامع یکی از مهم‌ترین راه‌های بهره‌گیری از فرصت‌های مناسب کسب‌وکار و دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی است. به خصوص که امروزه به علت مکانیزه شده تولید، دیگر نیروی جسمانی عامل تعیین‌کننده موفقیت کسب‌وکارها نیست. لذا، کارآفرینی زنان به یکی از منابع رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی و نوآوری در جهان تبدیل شده است (استویکا و همکاران (Stoica et al)، ۲۰۲۰: ۱۲). از طرفی توسعه

تأثیر شاخص‌های توسعه زنان بر رانت نفتی (بهناز خوش طینت و دیگران) ۲۱۱

زنان به عنوان نیمی از جمعیت کشورها می‌تواند اقتصاد کشورهای صادرکننده نفت را از تکیه به مزیت نسبی طبیعی حاصل از درآمد نفتی به سمت و سوی مزیت اکتسابی سوق دهد و اثرات منفی احتمالی رانت نفتی را کاهش دهد.

افزایش مشارکت سیاسی زنان نقش بسزائی در توسعه و نوسازی کشورهای منتخب و اجتناب از جنبه منفی رانت نفتی دارد (خسروی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۸). زیرا، افزایش مشارکت سیاسی زنان در سطح نخبگان و دخالت آنان در تصمیم‌گیری‌های ملی و بین‌المللی سبب افزایش ظرفیت کارشناسی و توان اجرایی نظام سیاسی جهت اخذ تصمیمات بهتر برای تحقق راهبرد رانت نفتی می‌شود. همچنین، افزایش مشارکت سیاسی زنان در سطح توده به کاهش بی‌تفاوتی آنها نسبت به سرنوشت جامعه منجر می‌شود و مطالبه‌گری آنها از سیاست‌مداران حاکم را افزایش می‌دهد که این می‌تواند به بهبود حاکمیت قانون، وضع قوانین و مقررات باکیفیت، کنترل فساد و افزایش کارایی و اثربخشی دولت بیانجامد و با بهبود فضای کسب‌وکار سبب تسهیل فرایند رانت نفتی شود. بنابراین، مشارکت سیاسی زنان از دو جنبه افزایش بهره‌وری و کارایی نظام حکمرانی و افزایش احساس رضایت از شرکت در سازندگی کشور به رشد اقتصاد منهای نفت کمک می‌کند (سو (Xu)، ۲۰۱۵: ۷).

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت توسعه آموزش زنان از جنبه عمومی و خصوصی مزایای بسیاری به دنبال می‌آورد و می‌تواند اقتصاد ساده نفتی را به اقتصاد پیچیده غیرنفتی تسهیل کند. به این صورت که از جنبه شخصی و خصوصی سبب کسب موقعیت‌های شغلی بهتر، بازدهی بیشتر در بخش‌های دولتی و غیردولتی، دریافت دستمزد بالاتر و فراهم‌سازی منابع جهت ایجاد و گسترش کسب‌وکارهای زنانه شده و به‌طور مستقیم رانت نفتی را تسریع می‌کند. از جنبه عمومی نیز با بهبود محیط فکری در خانه و اجتماع و کمک به تربیت نیروی انسانی سالم‌تر و مولدتر، زمینه رشد اقتصادی منهای نفت را به‌طور غیرمستقیم مهیا می‌سازد (هانگ و همکاران (Hong et al)، ۲۰۱۹: ۹). در یک جمع‌بندی کلی توسعه زنان موجب ایجاد مزیت نسبی اکتسابی از هر جهت می‌شود و این امر می‌تواند به پویایی فعالیت‌های اقتصادی بویژه فعالیت‌های تولیدی متکی بر مزیت نسبی اکتسابی خواهد گشت و لذا کمک شایانی به افزایش سهم تولیدات غیرنفتی می‌گردد لذا هنر اینکه مزیت نسبی طبیعی را با کیفیت مطلوب نهادی تبدیل به مزیت نسبی اکتسابی از طریق شاخص‌های توسعه زنان نمود.

۳. پیشینه پژوهش

پیش از مرور پیشینه تحقیق خاطر نشان می‌گردد مطالعاتی که در ادامه آمده بررسی اثر شاخص‌های توسعه زنان بر رانت نفتی نیست بلکه، صرفاً به تأثیر برخی از شاخص‌های توسعه زنان بر متغیر رشد اقتصادی پرداخته‌اند زیرا تاکنون مطالعه‌ای با محوریت مطالعه حاضر مسبوق به سابقه نیست.

۱.۳ مطالعات تجربی در حوزه آموزش عالی زنان و رشد اقتصادی

آل عمران و آل عمران (۱۳۹۸) تأثیر آموزش عالی زنان بر رشد اقتصادی ایران را در فاصله زمانی فصل اول سال ۱۳۷۷ تا فصل چهارم سال ۱۳۹۴ بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد آموزش عالی زنان بر رشد اقتصادی ایران تأثیر مثبت و معناداری دارد.

اسدزاده و همکاران (۱۳۹۶) رابطه بین متغیرهای تأثیرگذار بر رشد اقتصادی ایران طی دوره ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۳ را با تأکید بر نقش اشتغال و تحصیلات زنان بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد افزایش نرخ مشارکت اقتصادی زنان بر تولید ناخالص داخلی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

رزمی و حاجبی (۱۳۹۵) تأثیر آموزش عالی زنان بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب نفت خیز عضو اوپک و شمال آفریقا را در دوره زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۰ بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد آموزش عالی زنان بر نرخ رشد درآمد سرانه اثر مثبت و معنی داری دارد.

اولاسانکانمی و همکاران (Olasunkanmi et al) (۲۰۱۷) تأثیر آموزش زنان کارآفرین بر رشد اقتصادی را بررسی و نتیجه گرفته‌اند توسعه کارآفرینی زنان با ایجاد شغل برای خود و دیگران بر رشد اقتصاد تأثیر مثبت و معناداری دارد.

ال الاثویی (El Alaoui) (۲۰۱۵) تأثیر آموزش زنان بر رشد اقتصادی ۴ کشور مراکش، مصر، تونس و الجزایر را طی دوره ۲۰۱۲-۲۰۰۰ بررسی کرده‌اند که نتایج به دست آمده نشان داد آموزش عالی زنان، مشارکت نیروی کار زنان و کیفیت نهادی بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری دارند. در مقابل، ثبت نام زنان در مدارس ابتدایی و متوسطه بر رشد اقتصادی تأثیر منفی دارند.

تأثیر شاخص‌های توسعه زنان بر رانت نفتی (بهناز خوش طینت و دیگران) ۲۱۳

۲.۳ مطالعات تجربی در حوزه سلامت زنان و رشد اقتصادی

جلیلی و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی جهت علیت بین شاخص‌های سلامت زنان (امید به زندگی، نرخ باروری و نرخ مرگ و میر) و رشد اقتصادی در کشورهای گروه دی ۸ طی دوره ۲۰۱۶-۱۹۹۰ پرداخته‌اند. یافته‌های آنها نشان داد رابطه علیت از سمت شاخص‌های سلامت زنان به سمت رشد اقتصادی وجود ندارد. ولی از سمت رشد اقتصادی به سمت شاخص‌های سلامت زنان رابطه علیت وجود دارد. به عبارتی، رابطه علی یک طرفه از رشد اقتصادی به امید به زندگی، نرخ باروری و نرخ مرگ و میر زنان وجود دارد.

بلوم و همکاران (Bloom et al) (۲۰۲۰) تأثیر سلامت زنان بر توسعه اقتصادی کشورهای کمتر توسعه‌یافته را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد علی‌رغم آن که خانواده‌ها بهبود سلامت مردان به خاطر منافع ایستای ناشی از آن را بر بهبود سلامت زنان ترجیح می‌دهند. اما، تحلیل داده‌های تجربی نشان داد حتی بهبود اندک سلامت زنان بر روند انتقال به سطح درآمد بالاتر در بلندمدت تأثیر بیشتری دارد که بیانگر وجود رابطه پویا بین منافع کوتاه‌مدت خانوار و اهداف بلندمدت توسعه است.

۳.۳ مطالعات تجربی در حوزه نرخ مشارکت و رشد اقتصادی

اسفجیر و روشن (۱۳۹۹) به بررسی تأثیر اشتغال زنان بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب خاورمیانه در بازه زمانی ۲۰۱۰-۲۰۱۵ پرداخته‌اند. آن در پژوهش خود با رهیافت داده‌های پویایی تابلویی فعالیت زنان در بخش‌های اقتصادی قادر به تبیین تغییرات تولید ناخالص داخلی سرانه می‌باشند. بدین معنی که افزایش فعالیت و اشتغال زنان احتمال افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه را بالا می‌برد.

کریمی و همکاران (۱۳۹۷) رابطه باروری و مشارکت نیروی کار زنان با رشد اقتصادی در ایران و کشورهای گروه جی ۷ را در دوره ۲۰۱۵-۱۹۹۰ بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد باروری بر رشد اقتصادی تأثیر منفی و معنادار و نرخ مشارکت نیروی کار زنان بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

علیقلی (۱۳۹۵) رابطه بین مشارکت زنان در نیروی کار و توسعه اقتصادی در کشورهای اسلامی را در دوره ۲۰۱۳-۱۹۹۰ بررسی کرده است. نتایج نشان داد متغیرهای لگاریتم تولید ناخالص داخلی، نرخ بیکاری و نرخ باروری تأثیر منفی و متغیرهای لگاریتم مربع تولید ناخالص

داخلی، نرخ شهرنشینی، نرخ ثبت‌نام ناخالص زنان در مدارس ابتدایی، مدارس متوسطه و مدارس عالی تأثیر مثبت بر نرخ مشارکت زنان در نیروی کار کشورهای اسلامی دارند.

مددی (۱۳۹۵) الگوی اسلامی-ایرانی رانت نفتی به اقتصاد پایدار را بررسی و نتیجه گرفت که خروج از مدل اقتصادی تک محصولی و ایجاد تنوع در محصولات صادراتی و مولفه‌های ارزش‌آورد نیازمند برخورداری از سطح بالایی از علم، فناوری و تخصص در سطح جامعه و مدیران اجرایی است.

آل عمران و آل عمران (۱۳۹۳) تأثیر شاخص‌های زنان اعم از آموزش، بهداشت، باروری و اشتغال را بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در فاصله زمانی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد شاخص‌ها آموزش، بهداشت و اشتغال زنان بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا تأثیر مثبت و معنادار و شاخص باروری زنان بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا تأثیر منفی و معناداری دارد.

برتای و همکاران (Bertay et al) (۲۰۲۰) تأثیر مشارکت اقتصادی زنان بر رشد اقتصادی را در مجموعه بزرگی از کشورهای در حال توسعه و نوظهور طی دهه ۱۹۹۰ بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد افزایش سهم زنان از اشتغال بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

لاک و لاونتن (Lock & Lawton) (۲۰۱۶) به بررسی تأثیر کارآفرینی زنان بر رشد اقتصادی در کشور کنیا پرداخته‌اند. نتایج نشان داد کارآفرینی زنان به‌عنوان ابزاری در جهت کاهش فقر و افزایش رشد اقتصادی عمل نموده است. اما، تداوم تأثیر مثبت آن نیازمند سیاست‌های مؤثر مانند آموزش شغلی، مشاوره و پشتیبانی مالی از زنان کارآفرین است.

۴.۳ مطالعات تجربی نابرابری جنسیتی و مشارکت سیاسی زنان:

اکبالو و همکاران (Akbulaev et al) (۲۰۲۰) تأثیر برابری جنسیتی بر رشد اقتصادی قرقیزستان را بررسی نموده و نتایج نشان داد برابری جنسیتی با سطح بالاتری از توسعه اقتصادی رابطه معناداری دارد.

هانگ و همکاران (Hong, G., Kim, S., Park, G. & Sim, S. G.) (۲۰۱۹) به بررسی تأثیر نابرابری جنسیتی آموزش بر رشد فراگیر پرداخته‌اند. نتایج نشان داد گسترش فرصت‌های آموزشی زنان راهی مؤثر برای ارتقاء رشد فراگیر است.

تأثیر شاخص‌های توسعه زنان بر رانت نفتی (بهناز خوش طینت و دیگران) ۲۱۵

ایکسیو (Xu, L.) (۲۰۱۵) به بررسی تأثیر مشارکت سیاسی زنان بر رشد اقتصادی در ۳۰ کشور آسیایی طی دوره ۱۹۹۱-۲۰۱۳ پرداخته است. نتایج نشان داد مشارکت سیاسی زنان رشد اقتصادی در آسیا را تقویت می‌کند.

مطالعه حاضر با الهام از مطالعات پیشین در خصوص اثرات شاخص‌های توسعه زنان بر رشد اقتصادی برای نخستین بار به بررسی شاخص‌های توسعه زنان نه بر رشد اقتصادی بلکه بر یکی از مولفه‌های مهم کشورهای صادرکننده نفت یعنی رانت نفتی پرداخته است.

۴. روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از تحلیل رگرسیون چند متغیره، رهیافت داده‌های تابلویی (Panel Data)، روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (Generalized Moment's Method) و نرم افزار استاتاستاتا (Stata) برای برآورد تأثیر شاخص‌های توسعه زنان بر رانت نفتی استفاده نموده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه کشورهای درحال توسعه نفتی است که از این بین تعداد ۱۷ کشور (آذربایجان، آنگولا، اکوادور، الجزایر، امارات متحده عربی، ایران، بروئی دارالسلام، چاد، روسیه، عربستان سعودی، عمان، قزاقستان، قطر، کویت، نیجریه، ونزوئلا و یمن) که بیش از ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی آنها به نفت اختصاص دارد و داده‌های مورد نیاز آنها برای دوره مورد مطالعه در دسترس بوده به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شده‌اند. با این توضیح که داده‌های مورد استفاده برای بررسی ارتباط بین متغیرها از آمارهای ثانویه هستند که از مراجع مشروحه در جدول (۱) در پیوست استخراج شده است.

۱.۴ واقعیات آماری

رانت نفتی متغیر وابسته تحقیق است که از تغییرات سهم نفت در اقتصاد کشورهای منتخب به عنوان شاخص عملیاتی آن استفاده شده و داده‌های آن در مقاطع زمانی ابتدا، انتها و میانگین دوره مورد مطالعه در جدول (۲) ارائه شده که بر این اساس، کویت و یمن به ترتیب بیشترین و کمترین وابستگی اقتصاد به نفت را شاهد بوده‌اند. ایران نیز در رده نهم قرار گرفته است.

جدول ۲. درصد سهم نفت در اقتصاد کشورهای منتخب طی دوره ۲۰۱۱-۲۰۱۸

کشور	۲۰۱۱	۲۰۱۸	میانگین دوره	
			درصد	رتبه
آذربایجان	۳۱/۸	۲۵/۳	۲۱/۵	۵
آنگولا	۳۹/۵	۲۵/۶	۲۳/۷	۴
اکوادور	۱۵/۵	۷/۳	۱۰/۷	۱۴
الجزایر	۲۷/۳	۱۵/۸	۱۸/۶	۸
امارات متحده عربی	۲۸/۸	۱۶/۶	۲۰/۰	۷
ایران	۲۴/۸	۱۰/۷	۱۷/۷	۹
برونئی دارالسلام	۲۳/۹	۱۱/۷	۱۴/۰	۱۲
چاد	۲۶/۹	۲۰/۱	۱۶/۹	۱۰
روسیه	۱۱/۴	۱۰/۰	۱۰/۱	۱۶
عربستان سعودی	۴۹/۳	۲۸/۷	۳۴/۴	۲
عمان	۴۶/۱	۲۶/۹	۳۱/۸	۳
قزاقستان	۱۹/۵	۱۵/۶	۱۳/۰	۱۳
قطر	۳۲/۸	۱۶/۶	۲۱/۰	۶
کویت	۶۱/۲	۴۲/۵	۴۷/۷	۱
نیجریه	۱۶/۴	۹/۰	۱۰/۴	۱۵
ونزوئلا	۱۹/۰	۹/۸	۱۴/۷	۱۱
یمن	۲۳/۴	۲/۶	۱۰/۰	۱۷
میانگین گروه	۲۹/۳	۱۷/۸	۱۹/۳	

مأخذ: پایگاه بانک جهانی (<https://data.worldbank.org/indicator>)

توسعه کارآفرینی زنان، در این تحقیق از سهم کارآفرینی فرصت‌گرا از کل فعالیت‌های کارآفرینی زنان برای اندازه‌گیری این شاخص استفاده شده و میزان آن در کشورهای منتخب طی مقاطع زمانی ابتدا، انتها و میانگین دوره مورد مطالعه به شرح جدول (۳) است که بر اساس

تأثیر شاخص‌های توسعه زنان بر رانت نفتی (بهناز خوش طینت و دیگران) ۲۱۷

آن؛ به طور میانگین کارآفرینی فرصت‌گرا در قطر و چاد به ترتیب بیشترین و کمترین سهم از کل کارآفرینی زنان را داشته و ایران نیز از این حیث در رده نهم جای گرفته است.

جدول ۳. سهم کارآفرینی فرصت‌گرا از کارآفرینی زنان
در کشورهای منتخب طی دوره ۲۰۱۱-۲۰۱۸

کشور	۲۰۱۱	۲۰۱۸	میانگین دوره	
			درصد	رتبه
آذربایجان	۵۷/۱	۶۰/۷	۵۸/۰	۱۳
آنگولا	۷۱/۰	۴۷/۲	۶۴/۷	۸
اکوادور	۵۹/۰	۵۳/۱	۶۰/۴	۱۱
الجزایر	۴۲/۰	۷۳/۰	۵۹/۷	۱۲
امارات متحده عربی	۶۵/۰	۷۳/۸	۶۹/۴	۴
ایران	۴۲/۰	۶۴/۹	۶۲/۰	۹
برونئی دارالسلام	۶۲/۰	۷۰/۸	۶۶/۴	۷
چاد	۳۱/۰	۳۴/۱	۳۸/۵	۱۷
روسیه	۴۲/۰	۳۹/۸	۵۴/۰	۱۴
عربستان سعودی	۹۴/۱	۵۹/۶	۷۰/۱	۳
عمان	۵۵/۰	۶۳/۸	۶۱/۱	۱۰
قزاقستان	۶۷/۱	۷۰/۷	۶۸/۰	۶
قطر	۸۳/۴	۷۸/۶	۸۳/۳	۱
کویت	۷۳/۲	۶۸/۳	۷۳/۱	۲
نیجریه	۶۳/۰	۷۴/۰	۵۸/۵	۵
ونزوئلا	۴۱/۰	۴۵/۷	۴۳/۴	۱۶
یمن	۴۴/۰	۴۸/۳	۴۶/۱	۱۵
میانگین گروه	۴۷/۴	۵۸/۲	۶۰/۵	

مأخذ: پایگاه دیده‌بان جهانی کارآفرینی (<https://www.gemconsortium.org/report>)

توسعه سیاسی زنان، در این پژوهش از نسبت نمایندگان زن به مرد در پارلمان برای ارزیابی این شاخص استفاده شده که میزان آن برای کشورهای منتخب در مقاطع زمانی ابتدا، انتها و

میانگین دوره مورد مطالعه به شرح جدول (۴) است. بر این اساس، اکوادور و یمن به طور میانگین به ترتیب بیشترین و کمترین نسبت نمایندگان زن به مرد را در پارلمان داشته‌اند و ایران نیز در جایگاه سیزدهم قرار گرفته است.

جدول ۴. نسبت نمایندگان زن به مرد در پارلمان کشورهای منتخب طی دوره ۲۰۱۱-۲۰۱۸

رتبه	میانگین دوره		۲۰۱۸	۲۰۱۱	کشور
	درصد				
۷	۰/۱۹		۰/۲۰	۰/۱۹	آذربایجان
۲	۰/۵۶		۰/۴۴	۰/۶۳	انگولا
۱	۰/۶۲		۰/۶۱	۰/۴۸	اکوادور
۳	۰/۳۹		۰/۳۵	۰/۰۸	الجزایر
۵	۰/۲۵		۰/۲۹	۰/۲۹	امارات متحده عربی
۱۳	۰/۰۴		۰/۰۶	۰/۰۳	ایران
۱۲	۰/۰۵		۰/۱۰	۰/۰۰	برونئی دارالسلام
۹	۰/۱۷		۰/۱۸	۰/۱۵	چاد
۹	۰/۱۷		۰/۱۹	۰/۱۶	روسیه
۷	۰/۱۹		۰/۲۵	۰/۰۰	عربستان سعودی
۱۵	۰/۰۱		۰/۰۱	۰/۰۰	عمان
۴	۰/۳۳		۰/۳۷	۰/۲۲	قزاقستان
۱۵	۰/۰۱		۰/۱۱	۰/۰۰	قطر
۱۳	۰/۰۴		۰/۰۳	۰/۰۸	کویت
۱۱	۰/۰۶		۰/۰۶	۰/۰۴	نیجریه
۶	۰/۲۲		۰/۲۸	۰/۲۰	ونزوئلا
۱۷	۰/۰۰		۰/۰۰	۰/۰۰	یمن
	۰/۲۰		۰/۲۱	۰/۱۵	میانگین گروه

مأخذ: پایگاه مجمع جهانی اقتصاد (http://www3.weforum.org/docs/WEF_GGGR)

تأثیر شاخص‌های توسعه زنان بر رانت نفتی (بهناز خوش طینت و دیگران) ۲۱۹

توسعه آموزش زنان، در این تحقیق از ثبت نام زنان در دوره سوم تحصیلی نسبت به مردان برای ارزیابی توسعه آموزش زنان استفاده شده که داده‌های آن برای کشورهای منتخب در مقاطع زمانی ابتدا، انتها و میانگین دوره مورد مطالعه به شرح جدول (۵) است. بر این اساس، قطر و چاد به ترتیب بیشترین و کمترین سطح توسعه آموزش زنان را تجربه کرده‌اند و ایران نیز در رده سیزدهم قرار گرفته است.

جدول ۵. نسبت ثبت نام زنان به مردان در دوره سوم تحصیلی در کشورهای منتخب طی دوره ۲۰۱۱-۲۰۱۸

کشور	۲۰۱۱	۲۰۱۸	میانگین دوره	
			درصد	رتبه
آذربایجان	۰/۹۹	۱/۱۵	۱/۰۷	۱۱
آنگولا	۰/۶۵	۰/۷۵	۰/۶۵	۱۵
اکوادور	۱/۱۵	۱/۱۶	۱/۲۱	۱۰
الجزایر	۱/۴۴	۱/۴۹	۱/۴۹	۶
امارات متحده عربی	۱/۸۹	۲/۲۶	۲/۴۴	۲
ایران	۱/۰۷	۰/۹۱	۰/۹۷	۱۳
برونئی دارالسلام	۱/۷۶	۱/۵۶	۱/۸۱	۴
چاد	۰/۱۷	۰/۲۰	۰/۲۱	۱۷
روسیه	۱/۳۶	۱/۲۰	۱/۲۸	۹
عربستان سعودی	۱/۲۳	۱/۰۰	۱/۰۵	۱۲
عمان	۰/۷۸	۱/۸۲	۱/۳۸	۷
قزاقستان	۱/۴۵	۱/۲۶	۱/۳۶	۸
قطر	۶/۳۱	۷/۷۵	۶/۴۷	۱
کویت	۲/۱۴	۱/۸۶	۲/۰۰	۳
نیجریه	۰/۷۰	۰/۶۹	۰/۷۱	۱۴
ونزوئلا	۱/۶۹	۱/۵۸	۱/۶۹	۵
یمن	۰/۴۲	۰/۴۴	۰/۴۳	۱۶
میانگین گروه	۱/۴۸	۱/۵۶	۱/۵۱	

مأخذ: پایگاه مجمع جهانی اقتصاد (http://www3.weforum.org/docs/WEF_GGGR)

در این تحقیق از نسبت امید به زندگی زنان به مردان برای ارزیابی سطح بهداشت و سلامت زنان استفاده شده که مقدار آن برای کشورهای منتخب در ابتدا، انتها و میانگین دوره مورد مطالعه به شرح جدول (۶) نشان می‌دهد به‌طور میانگین روسیه و قطر به ترتیب بیشترین و کمترین نسبت امید به زندگی زنان به مردان را داشته‌اند و ایران نیز مشترکاً با عربستان سعودی و یمن در رتبه هشتم قرار گرفته است.

جدول ۶. نسبت امید به زندگی زنان به مردان در کشورهای منتخب طی دوره ۲۰۱۱-۲۰۱۸

کشور	۲۰۱۱	۲۰۱۸	میانگین دوره	
			درصد	رتبه
آذربایجان	۱/۰۲	۱/۰۷	۱/۰۵	۵
آنگولا	۱/۰۷	۱/۰۶	۱/۰۷	۴
اکوادور	۱/۰۵	۱/۰۵	۱/۰۵	۵
الجزایر	۱/۰۲	۱/۰۰	۱/۰۲	۱۱
امارات متحده عربی	۱/۰۰	۱/۰۳	۱/۰۱	۱۵
ایران	۱/۰۳	۱/۰۲	۱/۰۳	۸
برونئی دارالسلام	۱/۰۲	۱/۰۳	۱/۰۲	۱۱
چاد	۱/۰۰	۱/۰۳	۱/۰۲	۱۱
روسیه	۱/۱۸	۱/۱۴	۱/۱۷	۱
عربستان سعودی	۱/۰۵	۱/۰۱	۱/۰۳	۸
عمان	۱/۰۵	۱/۰۶	۱/۰۴	۷
قزاقستان	۱/۱۳	۱/۱۱	۱/۱۳	۲
قطر	۰/۹۷	۱/۰۰	۰/۹۸	۱۷
کویت	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱۶
نیجریه	۱/۰۰	۱/۰۱	۱/۰۱	۱۴
ونزوئلا	۱/۰۶	۱/۱۲	۱/۰۹	۳
یمن	۱/۰۴	۱/۰۲	۱/۰۳	۸
میانگین گروه	۱/۰۴	۱/۰۴	۱/۰۴	

تأثیر شاخص‌های توسعه زنان بر رانت نفتی (بهناز خوش طینت و دیگران) ۲۲۱

مأخذ: پایگاه مجمع جهانی اقتصاد (http://www3.weforum.org/docs/WEF_GGGR)

۲.۴ ارائه مدل

تحقیق حاضر از الگوی داده‌های تابلویی برای بررسی تأثیر شاخص‌های توسعه زنان بر رانت نفتی در کشورهای منتخب استفاده نموده و مدل تحقیق به تبعیت از مطالعات برتای و همکاران (Bertay, A. C., Dordevic, L. & Sever, C.) (۲۰۲۰)، از آدزیمما و بایتا (Adzima & Baita) (۲۰۱۹)، بروگل و تیرر (Broughel & Thierer) (۲۰۱۹)، گورو و یاداو (Guru & Yadav) (۲۰۱۹) شکل رابطه زیر است:

$$L\left(\frac{Oil_{it}}{GDP_{jt}}\right) = \beta_0 + \beta_1 L\left(\frac{Oil_{it-1}}{GDP_{jt-1}}\right) + \beta_2 L(WEND_{it}) + \beta_3 L(WPOD_{it}) + \beta_4 L(WEDD_{it}) + \beta_5 L(WHED_{it}) + \beta_6 L(GG_{it}) + \beta_7 L(TD_{it}) + \beta_8 L(FD_{it}) + U_{it} \quad (1)$$

در رابطه بالا، t : زمان، i مشخصه کشورهای منتخب، L : لگاریتم طبیعی متغیرها $\frac{Oil_{it}}{GDP_{jt}}$ مشخصه رانت نفتی در کشور i در سال t که سهم نفت از تولید ناخالص داخلی به‌عنوان جایگزین آن استفاده شده و کاهش این نسبت به معنای گذار بیشتر از رانت نفتی تلقی می‌شود. بنابراین، یک شاخص معکوس است. $\frac{Oil_{it-1}}{GDP_{jt-1}}$ شاخص رانت نفتی در کشور i در سال قبل از t است (متغیر وابسته باوقفه) است که به‌عنوان متغیر توضیحی در سمت راست معادله ظاهر شده است.

WENDit (Women's Entrepreneurship Development) ،

WPODit (Women's Entrepreneurship Development) ،

WEDDit (Women's Education Development)

و WHEDit (Women's Health Development) به‌ترتیب توسعه کارآفرینی زنان، توسعه سیاسی زنان، توسعه آموزش زنان و توسعه بهداشت زنان است که برابر سازوکار تشریح شده در بخش‌های پیشین انتظار می‌رود رانت نفتی را کاهش دهد.

متغیرهای کنترلی مطالعه نیز عبارتند از:

GGit (Good Governance) حکمرانی خوب است که به پیروی از آدزیمما و بایتا (Adzima &

Baita) (۲۰۱۹) و ساماراسینجه (Samarasinghe) (۲۰۱۸) در مدل تحقیق منظور شده و انتظار می‌رود بر رانت نفتی تأثیر منفی داشته باشد. زیرا، بهبود حکمرانی که از طریق پاسداشت حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات،

حاکمیت قانون و کنترل فساد میسر می‌شود با فراهم‌سازی فرصت مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، افزایش امنیت اقتصادی، بهبود محیط کسب‌وکار، افزایش هزینه‌های تحقیق و توسعه، زمینه برای حرکت اقتصاد منبع‌بنیان نفتی به اقتصاد دانش‌بنیان را تسهیل می‌کند و رشد بخش غیرنفتی نسبت به بخش نفت را به دنبال می‌آورد.

TDit (Technological Development) توسعه فناوری است که به تبعیت از مطالعه بروگل و تیرر (Broughel & Thierer) (۲۰۱۹)، آلانی (Alani) (۲۰۱۲) و لئو و همکاران (Loo & Soete) (۱۹۹۹) در مدل لحاظ شده که مطابق با انتظارات اثرات مثبتی بر رانت نفتی دارد. زیرا، فناوری و مخصوصاً فناوری اطلاعات و ارتباطات علاوه‌بر ویژگی سرمایه‌های فیزیکی متعارف، از ویژگی سرمایه‌های دانش، یعنی انحصارناپذیری و رقابت‌ناپذیری نیز برخوردار است و از دو طریق مستقیم و غیرمستقیم (سرریز) می‌تواند بر بهره‌روی نیروی کار و به تبع آن رشد بخش‌های مختلف غیرنفتی اثر مثبت بگذارد.

FDit (Financial Development) توسعه مالی است که به پیروی از گورو و یاداو (Guru & Yadav) (۲۰۱۹) و بیست (Bist) (۲۰۱۸) در مدل تحقیق لحاظ شده و می‌تواند جنبه منفی رانت نفتی را کاهش دهد. زیرا، توسعه بازارها و نهادهای مالی در کشورهای نفتی این امکان را فراهم می‌کند تا صنایع و بخش‌های مختلف غیرنفتی و همچنین، اکثریت آحاد جامعه به‌صورت آسان و کم هزینه به منابع مالی دسترسی پیدا کنند و مشارکت بیشتری در فعالیت‌های اقتصادی داشته باشند و در نهایت موجبات رشد کسب‌کارهای متوسط و کوچک و رانت نفتی را کاهش می‌دهد.

۳.۴ برآورد مدل

پیش از برآورد مدل انجام آزمون ایستایی متغیرها برای جلوگیری از برآورد رگرسیون کاذب ضروری است اما با توجه به این‌که دوره زمانی مورد بررسی کمتر از ۱۰ سال است، نیاز به انجام آزمون مانایی نیست (ولدریج (Wooldrige)، ۲۰۰۹). همچنین نتایج آزمون F نشان می‌دهد که تخمین به صورت داده‌های تابلویی صورت می‌گیرد.

تأثیر شاخص‌های توسعه زنان بر رانت نفتی (بهناز خوش طینت و دیگران) ۲۲۳

جدول ۷. نتایج آزمون F

آماره F	احتمال	نتیجه
۲۰/۷۰۳	۰/۰۰	مدل به صورت داده‌های تابلویی

منبع: یافته‌های پژوهش

اما مناسب بودن روش GMM باید توسط آزمون‌هایی مورد سنجش قرار گیرد. نخست، آزمون سارگان برای اثبات معتبر بودن متغیرهای ابزاری به کار برده شده در مدل که درصد احتمال آماره سارگان نشان داد که ابزارهای به کار برده شده در تخمین مدل از اعتبار برخوردارند. همچنین، نتایج آزمونی که برای سنجش همبستگی AR(1) و AR(2) انجام نشان داد ضریب اولی یعنی AR1 معنی‌دار و ضریب دومی یعنی AR(2) معنی‌دار نیست که نشان‌دهنده عدم وجود تورش تصریح است.

همچنین در پایان به منظور امکان مقایسه ضرایب آزمون والد صورت گرفت با این قید که آیا ضرایب متغیرها باهم برابر هستند یا خیر که نتایج آماره چسبی دو و احتمال آن نشان داد که فرضیه صفر پژوهش مبنی بر برابر بودن ضرایب متغیرها مورد قبول نیست (جدول ۸).

جدول ۸. نتایج برآورد مدل تحقیق به روش گشتاورهای تعمیم یافته

متغیر وابسته: رانت نفتی			
متغیرهای توضیحی		ضریب	آماره t
نام	نماد		
لگاریتم طبیعی وقفه رانت نفتی	$L \frac{Oil_{it}}{GDP_{it}} (-1)$	۰/۰۹۸**	۳/۰۴۳
لگاریتم طبیعی توسعه کارآفرینی زنان	LWEND	-۰/۰۵۶**	-۳/۴۲۵
لگاریتم طبیعی توسعه سیاسی زنان	LWPOD	-۰/۰۱۷**	-۲/۲۰۶
لگاریتم طبیعی توسعه آموزش زنان	LWEDD	-۰/۰۸۱**	-۴/۰۵۶
لگاریتم طبیعی توسعه بهداشت زنان	LWHED	-۰/۰۴۳**	-۳/۵۱۲
لگاریتم طبیعی حکمرانی خوب	LGG	-۰/۱۳۴*	-۵/۴۳۵
لگاریتم طبیعی توسعه فناوری	LTD	-۰/۱۰۶*	-۴/۹۹۷
لگاریتم طبیعی توسعه مالی	LFD	-۰/۱۲۰*	-۵/۰۹۶
آزمون سارگان	Sargan test statistic		۵/۸۴۲
آزمون همبستگی پسمانده مرتبه اول	AR(1)		۶/۰۳۹

آزمون همبستگی پسمانده مرتبه دوم	AR(2)	۰/۲۹
تعداد کل مشاهدات	Number of obs	۱۳۶
تعداد مشاهده برای هر کشور	Number of groups	۸
تعداد کشورها	Obs per group	۱۷
آزمون والد	آماره چی دو	۸/۵۳***

مأخذ: یافته‌های پژوهش

(نشانه‌های *، ** و *** به ترتیب سطوح معناداری ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪ است)

۵. بحث و بررسی نتایج

توسعه کارآفرینی زنان در کشورهای منتخب رانت نفتی را کاهش داده است. بر اساس این نتیجه می‌توان گفت توسعه کارآفرینی زنان به معنای بهره‌گیری مناسب از نیمی منابع انسانی خلاق جامعه در جهت تخریب خلاق و راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و مولد و پربازده است که افزایش اشتغال‌زایی، نوآوری و رشد تولیدات در بخش غیرنفتی را به دنبال داشته است.

تأثیر توسعه سیاسی زنان به کشورهای منتخب در کاهش رانت نفتی اثرگذار بوده است. زیرا، افزایش سهم زنان در تصمیم‌گیری‌های ملی و بین‌المللی سبب افزایش ظرفیت کارشناسی و توان اجرایی نظام سیاسی در کشورهای منتخب جهت اخذ تصمیمات بهتر و برنامه‌ریزی مناسب‌تر برای تحقق راهبرد عدم وابستگی اقتصاد به نفت شده است. همچنین، افزایش تعداد نمایندگان زن در پارلمان به علت آشنایی بیشتر با دنیای زنانه سبب تصویب قوانین و مقررات مترقی در جهت رفع موانع مشارکت زنان در اقتصاد شده و با بهره‌گیری از نیمی از سرمایه انسانی جامعه به رشد و شکوفایی بخش غیرنفتی کمک نموده است.

توسعه آموزش زنان به کشورهای منتخب در کاهش وابستگی اقتصاد به نفت کمک نموده است. زیرا، توسعه آموزش زنان از جنبه شخصی از طریق افزایش توانایی آنان در خودگردانی و کنترل منابع اقتصادی، افزایش مهارت استفاده از فناوری‌های پیشرفته سبب افزایش بازدهی مشاغل زنانه شده و تولیدات این بخش که غالباً غیرنفتی است را افزایش داده است. از جنبه عمومی نیز توسعه آموزش زنان سبب بهبود محیط فکری داخل خانه و اجتماع و تربیت نیروی انسانی مولدتر شده و رشد بخش‌های غیرنفتی را افزایش داده است.

تأثیر شاخص‌های توسعه زنان بر رانت نفتی (بهناز خوش طینت و دیگران) ۲۲۵

توسعه بهداشت زنان به کاهش وابستگی اقتصاد به نفت در کشورهای منتخب کمک نموده است. زیرا، زنان اغلب در بخش‌های خانگی، بنگاه‌های کوچک و متوسط و بخش خدمات و صنایع غیرنفتی اشتغال دارند و ارتقای بهداشت و سلامت آنان از مجرای افزایش سرمایه فکری، کاهش بیماری، کاهش ظرفیت‌های بیکار، افزایش بهره‌وری و رشد تولید به ازای هر نیروی کار سبب رشد بخش غیرنفتی و تسهیل فرایند رانت نفتی شده است. به علاوه، افزایش سلامت زنان با افزایش سلامت نوزادان و کاهش نرخ باروری در جامعه همراه شده و زنان فرصت یافته‌اند تا مشارکت بیشتری در بازار کار و فرایند تولید داشته باشند و این به افزایش سهم تولیدات غیرنفتی در اقتصاد منجر شده است.

بنابراین، ضریب تخمینی شاخص رانت نفتی نسبت به توسعه آموزش زنان بیشترین مقدار ممکن را نشان می‌دهد. این نتیجه نشان می‌دهد آموزش زنان تأثیرات متعدد و پرحجمی بر ابعاد مختلف عملکردی آنها دارد و بهبود آن باعث رشد بیشتر بخش غیرنفتی در کشورهای منتخب شده است.

حکمرانی خوب به رانت نفتی در کشورهای منتخب کمک نموده است. اساس این نتیجه، بهبود حکمرانی با فراهم‌سازی زمینه جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، افزایش امنیت اقتصادی، بهبود محیط کسب و کار، افزایش هزینه‌های تحقیق و توسعه، گذار اقتصاد منبع‌بنیان نفتی به اقتصاد دانش‌بنیان را تسهیل نموده است.

توسعه فناوری به رانت نفتی در کشورهای منتخب کمک نموده است. بر اساس این نتیجه، فناوری و مخصوصاً فناوری اطلاعات و ارتباطات به علت برخورداری از ویژگی سرمایه‌های دانشی یعنی انحصارناپذیری و رقابت‌ناپذیری از دو طریق مستقیم و غیرمستقیم (سرریز) بر بهره‌وری نیروی کار و تولید کالاها و خدمات در بخش‌های غیرنفتی اثر مثبت گذاشته و سهم آن را در اقتصاد بالا برده است.

توسعه مالی به رانت نفتی در کشورهای منتخب کمک نموده است. بر اساس این نتیجه، توسعه بازارها و نهادهای مالی در کشورهای منتخب این امکان را فراهم نموده که آحاد جامعه به صورت آسان و کم هزینه به منابع مالی دسترسی پیدا کنند و با راه‌اندازی کسب‌کارهای کوچک و متوسط و افزایش تولیدات غیرنفتی به رانت نفتی کمک کنند.

ضریب تخمینی رانت نفتی در دوره قبل مثبت و معنادار است افزایش رانت نفتی دوره قبل نشان‌دهنده وجود بستر مناسب برای افزایش سهم نفت در اقتصاد است که خود به خود رانت نفتی یا سهم نفت را در دوره بعد افزایش می‌دهد.

۶. نتیجه گیری

در این مطالعه اثرات شاخص‌های توسعه زنان بر رانت نفتی در کشورهای منتخب برآورد شد و نتایج نشان داد توسعه کارآفرینی زنان، توسعه سیاسی زنان، توسعه آموزش زنان و توسعه بهداشت زنان سبب تسهیل فرایند رانت نفتی در کشورهای منتخب شده است. بنابراین، با توجه به این نتایج پیشنهاد می‌شود:

- با شایسته‌سالاری فارغ از جنسیت و افزایش بهره‌وری، تولید در بخش‌های دانش‌بنیان و غیرنفتی افزایش پیدا کند.
- فرصت‌های برابر آموزشی برای زنان ایجاد شود تا زمینه‌های ظهور و بروز خلاقیت آنان فراهم گردد و فرزندان خلاق و نوآور در جامعه تربیت شود و از مجرای رشد بهره‌وری نیروی کار و به تبع آن رشد بهره‌وری کل عوامل تولید، تولید کالاها و خدمات در بخش‌های غیرنفتی بیشتر شود.
- دسترسی زنان به خدمات بهداشتی تسهیل شود. همچنین، رسانه‌ها با پخش برنامه‌های آموزشی درباره استفاده درست از خدمات و لوازم بهداشتی و سواد تغذیه‌ای زنان و دختران اقدام کنند تا وضعیت سلامت آن بهبود یافته و فرصت بیابند از توانایی‌های خود در جهت ایجاد کسب‌وکارهای مختلف بهره‌مند شوند و راهبرد اقتصاد غیرنفتی را محقق سازند.

جدول ۱. مآخذ آماری متغیرهای تحقیق

نوع متغیر	نام متغیر	پایگاه آماری	نشانی اینترنتی
وابسته	رانت نفتی	بانک جهانی	https://data.worldbank.org/indicator
توضیحی	توسعه کارآفرینی زنان	دیده‌بان جهانی کارآفرینی	https://www.gemconsortium.org/report
	توسعه سیاسی زنان	مجمع جهانی اقتصاد	https://reports.weforum.org/global-gender-gap-report
	توسعه آموزش زنان	مجمع جهانی اقتصاد	https://reports.weforum.org/global-gender-gap-report
	توسعه بهداشت زنان	مجمع جهانی اقتصاد	https://reports.weforum.org/global-gender-gap-report
	حکمرانی خوب	بانک جهانی	https://reports.weforum.org/global-gender-gap-report
	توسعه فناوری	بانک جهانی	https://data.worldbank.org/indicator
	توسعه مالی	صندوق بین‌المللی پول	https://data.imf.org

کتاب‌نامه

- آل عمران، رویا و آل عمران، سیدعلی. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر شاخص‌های زنان بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA). *زنان و مطالعات خانواده*، دوره ۶، شماره ۲۳، صص ۷-۳۰.
- آل عمران، رویا و آل عمران، سیدعلی. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر آموزش عالی زنان بر رشد اقتصادی ایران. *زن و جامعه*، دوره ۱۰، شماره ۳، صص ۱۷-۳۰.
- احمدی، بتول، فرزندی، فرانک و علی محمدیان، معصومه. (۱۳۹۰). چالش‌های سیاست‌گذاری و اجرایی سلامت زنان و راهکارهای ارتقای آن: یک رویکرد کیفی بر اساس دیدگاه صاحب‌نظران. *پایش*، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۱۳۷-۱۲۷.
- اسدزاده، احمد، میرانی، نینا، قاضی‌خانی، فروغ، درجانی نجمه، اسمعیل و هنردوست، عطیه. (۱۳۹۶). بررسی نقش اشتغال و تحصیلات زنان بر رشد اقتصادی ایران. *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۵، شماره ۳، صص ۳۸۱-۳۵۹.
- جلیلی، آیلدر، پناهی، حسین و سجودی، سکینه. (۱۳۹۸). بررسی رابطه علی بین سلامت زنان و رشد اقتصادی در کشورهای گروه D8: رهیافت علیت پانلی کونیا. *اقتصاد مقداری*، دوره ۱۶، شماره ۴، صص ۱۶۲-۱۲۹.
- حاجبی، الناز و رزمی، محمدجواد. (۱۳۹۵). تأثیر آموزش عالی زنان بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب عضو اوپک و شمال آفریقا. *تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، دوره ۶، شماره ۲۴، صص ۱۷۵-۲۰۰.
- خسروی، محمدعلی، دهشیار، حسین و سادات ابطحی، صفی‌ناز. (۱۳۹۸). چگونگی توانمندسازی زنان در عرصه تصمیم‌گیری سیاسی در ساختار تصمیم‌گیری ملی و بین‌المللی. *مطالعات روابط بین‌الملل*، دوره ۵، شماره ۲۰، صص ۱۳۲-۹۹.
- ریبعی، علی، و سرابی، سولماز (۱۳۹۲). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن بر کارآفرینی زنان (مطالعه موردی: انجمن زنان مدیر کارآفرین). *مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، ۱(۴)، صص ۶۸-۳۳.
- رمضان نرگسی، رضا. (۱۳۸۳). تحلیلی از مشارکت سیاسی زنان ایرانی در تاریخ معاصر. *معرفت*، شماره ۸۶، صص ۱-۲۶.
- سلاطین، پروانه و رستمی انعکاس، سمانه. (۱۳۹۷). تأثیر باروری بر نرخ مشارکت زنان در گروه کشورهای منتخب: رهیافت داده‌های پانل. *زن و مطالعات خانواده*، دوره ۱۱، شماره ۴۱، صص ۷-۲۲.
- سن، آمارتیا. (۱۳۸۵). توسعه به مثابه آزادی. ترجمه وحید محمودی، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- سوری، علی. (۱۳۸۹). اقتصادسنجی همراه با کاربرد نرم افزار ایویوز ۷. تهران: نشر فرهنگ شناسی، چاپ اول.

- شاکری، عباس، محمدی، تیمور و نجفی، حامد. (۱۳۹۵). مبانی نظری و محاسبه شاخص آسیب‌پذیری نفت برای کشورهای صادرکننده نفت (مطالعه موردی ایران). *پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران*، دوره ۵، شماره ۱۹، صص ۷۹-۱۱۱.
- شفیعی، سمیه‌السادات و پورباقر، زهرا. (۱۳۹۳). زنان و شاخص‌های توسعه در ایران و ترکیه. *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره ۶، شماره ۲۱، صص ۱۱۱-۱۲۵.
- شکوری، علی، رفعت‌جاه، مریم و جعفری، معصومه. (۱۳۸۶). مؤلفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل موثر بر آنها. *پژوهش زنان*، دوره ۵، شماره ۱، صص ۱-۲۶.
- علیقلی، منصوره. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین مشارکت زنان در نیروی کار و توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، دوره ۱۴، شماره ۲، صص ۶۳-۸۶.
- کریمی، محمدشریف، خانزادی، آزاد و چشم‌اخیل، مسعود. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین باروری، مشارکت نیروی کار زنان و رشد اقتصادی (مطالعه تطبیقی ایران و کشورهای عضو گروه ۷). *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۱۹، شماره ۱، صص ۱۷۱-۱۴۹.
- کلدی، علیرضا و سلحشوری، پروانه. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر توانمندسازی زنان. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، دوره ۴، شماره ۴، صص ۷-۲۳.
- کمایی، رها و افشاری، زهرا. (۱۳۹۶). عوامل تعیین‌کننده مشارکت زنان در نیروی کار در کشورهای منتخب (تحلیل پنل). *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، دوره ۱۵، شماره ۱، صص ۷۲-۴۱.
- مرادی محمدعلی (۱۳۸۹). تأثیر نفت بر نماگرهای اقتصاد کلان ایران: با تأکید بر مکانیزم‌های انتقال و آثار. *پژوهشهای اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*. ۱۰(۲): ۱۴۰-۱۱۵.
- محمدزاده، یوسف و یکتا، میلاد. (۱۳۹۴). بررسی نقش زنان در توسعه پایدار اقتصادی کشورهای جهان. اولین همایش نقش زن در سلامت جامعه، تهران: بنیاد پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، ۱۱ بهمن‌ماه.
- ممیز، آیت‌اله، قاسمی، سیده عطفه و قاسمی، سیده فاطمه. (۱۳۹۲). بررسی عوامل موثر در توسعه کارآفرینی زنان. *رشد فناوری*، دوره ۹، شماره ۳۵، صص ۱۵-۲۲.
- نیکوقدم، مسعود، قلی‌زاده امیرآباد، محدثه و خشنودی، عبدالله. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر توانمندسازی زنان بر توسعه دموکراسی. زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۶، شماره ۴، صص ۶۴۰-۶۲۱.

Adzima, K. & Baita, K. (2019). The impact of governance on economic growth: An empirical assessment in Sub-Saharan Africa. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3470607>.

Akbulaev, N., Aliyeva, B. & Sapena, J. (2020). Gender and economic growth: Is there a correlation? The example of Kyrgyzstan. *Cogent Economics & Finance*, 8(1): 1-11.

Arellano, M. & Bond, S. (1991). Some tests of specification for panel data: Monte Carlo evidence and an application to employment equations. *Review of Economic Studies*, 58(2): 277-297.

Auty, R. (2001). Resource abundance and economic development. Oxford University Press, New York.

- Baltagi, B. H. (2005). *Econometric analysis of panel data*. John Wiley & Sons Inc, 3rd Edition, New York, USA.
- Bertay, A. C., Dordevic, L. & Sever, C. (2020). Gender inequality and economic growth: Evidence from industry-level data. IMF Working Paper, No. 20/119.
- Bist, J. P. (2018). Financial development and economic growth: Evidence from a panel of 16 African and non-African low-income countries. *Cogent Economics & Finance*, 6(1); 1-17.
- Bloom, D. E., Kuhn, M. & Prettnner, K. (2020). The contribution of female health to economic development. *The Economic Journal*, 130(630), 1650-1677.
- Broughel, J. & Thierer, A. (2019). Technological innovation and economic growth: A brief report on the evidence. Mercatus Research, Mercatus Center at George Mason University, Arlington.
- Dincer, M., Kaushal, N. & Grossman, M. (2014). Women's education: Harbinger of another spring? evidence from a natural experiment in Turkey. *World Development*, 64(C); 243-258.
- Dutta, N. & Mallick, S. (2018). Enabling women entrepreneurs: Exploring factors that mitigate the negative impact of fertility rates on female entrepreneurship. *Kyklos*, 71(3); 402-432.
- El Alaoui, A. (2015). Impact of women's education on the economic growth: An empirical analysis applied to Morocco, Algeria, Tunisia, and Egypt. MPRA Paper 69787, University Library of Munich, German.
- Guru, B. K. & Yadav, I. S. (2019). Financial development and economic growth: Panel evidence from BRICS. *Journal of Economics, Finance and Administrative Science*, 24(47); 113-126
- Gupta, E. (2008). Assessing the energy vulnerability : Case of industrialised countries. *Energy Policy*, 36(10), 3734-3744.
- Gylfason, T. (2001). Natural resources, education and economic development. *European Economic Review*, 45(4); 847-859.
- Hong, G., Kim, S., Park, G. & Sim, S. G. (2019). Female education externality and inclusive growth. Sustainability, doi: 10.3390/su11123344.
- Idrisov, G., Kazakova, M., & Polbin, A. (2015). A theoretical interpretation of the oil prices impact on economic growth in contemporary Russia. *Russian Journal of Economics*, 1(3), 257-272.
- Kabeer, N. (2001). Reflections on the measurement of women's empowerment. *Swedish International Development Cooperation studies*, (3), 17-57.
- Lock, R. & Lawton, S. H. (2016). The impact of female entrepreneurship on economic growth in Kenya. *International Journal of Gender and Entrepreneurship*, 8(1): 90-96.
- Loo, I. D. & Soete, L. (1999). The impact of technology on economic growth: Some new ideas and empirical considerations. UNU-MERIT Research Memoranda.
- Mauro, P. (1995). Corruption and growth. *The Quarterly Journal of Economics*. 110(3); 681-712.
- Masi, T., & Ricciuti, R. (2019). The heterogeneous effect of oil discoveries on democracy. *Economics & Politics*, 31(3), 374-402.

- Olasunkanmi, A. A., Babatunde, M. M. O. Dada, R. M. & Abayomi, T. (2017). Women entrepreneurship education: An instrument of economy growth and overcoming gender gap in a competitive economy. *Global Journal of Commerce & Management Perspective*, 6(1): 18-23.
- Sachs, J. & Warner, A. (1995). Natural resource abundance and economic growth. *Working Paper*, 5398.
- Sachs, J. D., & Warner, A. M. (1999). The big push, natural resource booms and growth. *Journal of development economics*, 59(1), 43-76.
- Sachs, J. & Warner, A. (2001). Natural resources and economic development, the curse of natural resource. *European Economic Review*, 45(4-6); 827-838.
- Samarasinghe, T. (2018). Impact of governance on economic growth. https://mpra.ub.uni-muenchen.de/89834/1/MPRA_paper_89834.pdf.
- Shao, S. & Yang, L. (2014). Natural resource dependence, human capital accumulation and economic growth: A combined explanation for the resource curse and the resource blessing. *Energy Policy*, 74(1); 632-642.
- Stoica, O., Roman, A. & Rusu, V. D. (2020). The nexus between entrepreneurship and economic growth: A comparative analysis on groups of Countries. *Sustainability*, 11, 1-19.
- Torvik, R. (2002). Natural resource, rent seeking and welfare. *Development Economics*, 67(2); 455-470.
- Ugbomeh, G. M. M. (2001). Women empowerment in agricultural education, for sustainable rural development. *Community Development Journal*, 36(4); 289-302.
- Xu, L. (2015). Effects of female political participation on economic growth: Evidence from Asian countries. Master programme in economics, Department of Economics, Lund University Libraries.